



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۰ ■ ۲۷ آذر ۱۳۹۹

نوجوان
جوان



فاطمه کریمی



بزرگترین نیاز
دختران کشور
خودباوریه
اساسا دختران
نیاز دارن خیلی
بیشتر خودشون
رو باور کنن و
اعتماد به نفس
داشته باشن
و این که نیاز
ندارن دیگران
تحسین شون
کنن

حرف های خودمانی با مجید خسروانجم، کاریکاتورست جوانی که یک فرزند دهه هشتادی دارد

پسر من از خودم بزرگتره!

حرف های خودمون رومی زن، همون حرف هایی که همیشه تو دلمون می مونه و اگر هم به کسی بگیمش اصولا درکمون نمی کنه! ولی مجید خسروانجم به نسبت خیلی از پدرها شناخت خیلی خوبی نسبت به نوجوون داره، گرچه که داشتن یه فرزند دهه هشتادی اونم از نوع پسر، بی تاثیر نیست. پای صحبت هاشون که بشنیم متوجه می شیم ایشون به بابای باحال، از اون باباهای واقعا خوب.

من هنوز نوجوانم

اگه بخوام حساب کنم من هنوز ۱۲ سالمه و پسر من طاه که تنها ۱۶ سالشه از خودم بزرگتره! شاید باورتون نشه اما با وجود ۴۲ سال سن، هنوز که هنوزه تصمیم نگرفتم وقتی بزرگ شدم چه شغلی داشته باشم، اما جالبه این نسل دوست داره خیلی سریع بزرگ بشه که البته مقصر اصلی خانواده ها هستن که مدام بهشون میگن: شیطونی نکن! گریه نکن! چرا اینقدر بلند می خندی و خیلی چیزهای دیگه که باعث میشه این نسل مدام با خودش بگه من دوست دارم خیلی سریع بزرگ بشم.

سردسته شیاطین مدرسه!

همه به صورت کلیشه ای فکر می کنن که هر بچه ای که هم خیلی درس خونه و هم خیلی باادبه، به هیچ عنوان اهل شیطننت نیست! اما برای من به این شکل نبود. چون من به شدت اهل شیطننت بودم، تا جایی که مدرسه رو به هم می ریختم. البته سردسته بچه های شیطون بودن سرچاش، اما در کنارش به شدت هم درس خون بودم و باهوش. بعضی دروس رو آنقدر خوب متوجه می شدم که اصلا نیاز نبود شب امتحان دوباره از اول بخونم. مثلا یادمه دوران دبیرستان مثلثات ریاضی رو که اتفاقا خیلی درس سختی هم بود، اینقدر خوب یاد گرفته بودم که حتی شب امتحان نخوندم و جالب اینجاست که نمره ۲۰ گرفتم.

۱۹/۷۵

قبول نیست!

خب من توفیق این رو داشتم که بسیاری از برنامه هام مخصوص نوجوون ها باشه، به همین دلیل خیلی بهتریک نوجوون رو درک می کنم، همیشه سعی می کنم با پسر من طاه رفیق باشم و رفیق خواهم بود. فرقی بین نمره ۱۹ یا حتی ۱۱ نمی بینم، البته به غیر از یه جا که اونم درس زبانه، چون به شدت وقت گذاشتم براش و گفتم حتی نمره ۱۹/۷۵ هم قبول نیست و باید حتما نمره ۲۰ بگیره. اما باز اگه بدونم شب امتحان مشکلی براش پیش اومده و به هر دلیلی نتونسته بخونه، من کوتاه میام. این راز بابای خوب بودنه.

من شبیه مدادم!

داشتین و خانواده سر اون اخلاق با شما به چالش می خوردن؟

پسر من خدا رو شکر اخلاقی نداره که موجب چالش با خانواده بشه، فقط کم حرفی و درونگرایی خودم در نوجوانی رو توی طاه ها هم می بینم.

به نظر شما اگر بخوان ۵ سال دیگه کاریکاتور شما رو بکشن چه ویژگی هایی براش در نظر می گیرن؟

نمی دونم که، حالا چرا ۵ سال دیگه؟! (می خندد) ولی طبیعتا ریش و دماغ و عینکم جون می ده برای کاریکاتور.

اگر کاریکاتورست نمی شدین، احتمالا الان کجا بودین؟
احتمالا مغازه اسباب بازی فروشی داشتم شاید، شاید هم گل فروشی.

از ویژگی های پدر ایرانی (مثل دست گرفتن کنترل و...) کدومش رو دارین؟

هیچ کدام، فقط نگرانی برای آینده فرزندم.

کدوم اخلاق پسر تون هست که خودتون هم در نوجوونی

آدم چطور می تونه خلاق باشه؟

آدم ها همه خلاقند، خلاقیت چیزیه نیست که کلاش رو بری یا کتابی بخونی و خلاق بشی، خلاقیت تمرین کردنییه، نه آموختنی. مهم اینه که مدام تمرین کنیم و تخیل کنیم و در هر رشته ای که فعالیت داریم خودمون رو عادت بدیم که متفاوت بینیم و دنبال راه حل های جدید باشیم.

اسم کتاب زندگیتون چیه؟

خدا هست

شبیه کدوم شیء هستین؟

مداد.

اگر قرار باشه یه سفر طولانی برین، کجا رو انتخاب می کنین؟

نجف.

واگرا اجازه داشته باشید فقط سه تا وسیله با خودتون

به این سفر ببرین؟

موبایل، کاغذ، قلم.

